سرمقاله

مدیر و ناخدای قهرمان کیست؟



ناصر بزرگمهر
nbozorgmehr@yahoo.com
به نام او که هر چه بخواهد همان می‌شود

صحبت با یکی از دوستان بانکی، به تغییرات و تلاش‌ها و گذشته و حال و مقایسه کشید، ایشان معتقد بود که فلان کس بسیار زحمت کشیده و توانسته قایقی را که داشته به خاک و گل می‌نشسته، دوباره به جریان رودخانه برگرداند.

او از کشتی مثال می‌زد که در طوفان گیر کرده و یک ناخدای با تجربه می‌تواند آن را به ساحل نجات هدایت کند و سیستم بانکی را کشتی طوفان زده می‌دانست و معتقد بود که ارزش یک ناخدا و کاپیتان را وقتی می‌شود فهمید که کشتی گرفتار حادثه شود.

وقتی بحث به این جاها رسید، یاد فیلم به یاد ماندنی کشتی تایتانیک افتادم، به دوست عزیز گفتم که همیشه هوای دریا طوفانی نیست، در تایتانیک، کشتی با عظمت و سالم، در هوای مناسب حرکت می‌کرد، اما چند تن از همکاران و خدمه ناخدا، سربه هوا بودند، مراقبت لازم را نکردند و کشتی عظیم به توده کوه‌های یخی برخورد کرد و در نتیجه بیش از ۱۶۰۰ نفر جان خود را از دست دادند و یکی از مرگبارترین فجایع دریایی اتفاق افتاد.

حالا اگر بخواهیم همچنان موضوع بحث را با مثال یک کشتی و دریا و اقیانوس ادامه دهیم، باید گونه‌های متعددی از شرایط را ترسیم کنیم.

ـ اقیانوس آرام ویا طوفانی با ناخدای با تجربه و یا بی‌تجربه

ـ اقیانوس آرام و یا طوفانی با ناخدایی که اُصلا اجازه نمی‌دهد کشتی‌اش گرفتارحادثه شود.

ـ اقیانوس آرام و یا طوفانی با ناخدایی با تجربه یا جوان اما با خدمه‌ای سر به هوا

ـ اقیانوس آرام که یک باره دچار طوفان سهمگین می‌شود با ناخدایی که آمادگی ندارد

ـ اقیانوس طوفانی با کشتی که امکانات مناسب ندارد و در آن قایق نجات به اندازه کافی نیست.

و به همینگونه می‌توان با ده‌ها پیش فرض، صورت مسئله را تغییر داد و نتیجه دلخواه گرفت.

اما به طور کلی می‌توان یک سؤال مهم را مطرح کرد و پرسید: تفاوت بین یک ناخدای جوان که اصلاً اجازه نمی‌دهد کشتی گرفتار حادثه شود، با یک ناخدای با تجربه که کشتی دچار حادثه را نجات می‌دهد در چیست؟ و از چه کسی باید در این میان تقدیر کرد؟

من بدون آن که بخواهم از کسی جانبداری کنم و مقایسه‌ای بین جوانی و شور و شوق با تجربه و مهارت و گذر عمر انجام دهم و خدای نکرده، آگاهانه و ناآگاهانه یا عمدی و غیر عمدی، ذهن مخاطب را به سمت و سویی هدایت کنم، بحث را همچنان در راستای پیدا کردن یک واقعیت از دل حقیقت جست‌وجو می‌کنم، هرچند کتمان نمی‌کنم، که باهمه پیری شخصی، همیشه دل در گرو کارکنان و مدیران جوان دارم.

من در این مثال، بدون شک طرف ناخدایانی هستم که نمی‌گذارند کشتی سازمانی دچار حادثه و گرفتاری شود و از قبل به آینده، به طوفان، به کوه یخ، به قایق نجات و به مردم و مشتری و کارکنان فکر می‌کنند. ضمن این که از ناخدای با تجربه هم که کشتی سازمان را از بلای طوفان نجات داده احترام می‌گذارم و قدردان تلاش و دانش او هستم.

این بحث را از شعبه بانک با خود به دانشگاه بردم و در کلاس مطرح کردم و چند روز بعد، دانشجوی عزیزی برایم این یادداشت را فرستاد که عین بحث ما را به گونه‌ای دیگر، و حتی بهتر، نوشته بود:

فرض کنیم دو کشتی، با فاصله چند ساعت، از یک بندر حرکت می‌کنند، هر دو یک مقصد دارند و هر دو باید از مسیری عبور کنند که در بخشی از آن، صخره‌ای خطرناک در زیر آب پنهان شده است.

کشتی اول به کاپیتانی شجاع، جسور و محبوب خدمه سپرده شده که سال‌ها تجربه دارد؛کشتی آرام پیش می‌رود تا این که ناگهان صدایی مهیب کشتی را می‌لرزاند، چند ثانیه بعد، همه می‌فهمند چه اتفاقی افتاده است: کشتی به صخره برخورد کرده است.

آب با سرعت وارد کشتی می‌شود، مسافران هراسان‌اند، بچه‌ها گریه می‌کنند و خدمه سراسیمه‌اند، اما کاپیتان نمی‌ترسد و با صدای بلند دستور می‌دهد، قایق‌های نجات را آماده کنند و خودش به میان مسافران می‌رود و تا آخرین لحظه کنار خدمه می‌ماند و سرانجام همه نجات پیدا می‌کنند و کاپیتان هم، طبق سنت، آخرین نفری است که کشتی را ترک می‌کند.

صبح روز بعد، داستان در بندر می‌پیچد. مردم برای استقبال می‌آیند، خبرنگارها صف می‌کشند و عکس کاپیتان روی صفحه اول روزنامه‌ها می‌رود: قهرمانی که جان صدها نفر را نجات داد.

برای او مراسم تقدیر برگزار می‌کنند، لوح تقدیر می‌دهند و از او در رادیو و تلویزیون دعوت می‌کنند و

کاپیتان درباره آن شب حرف می‌زند و می‌گوید در آن لحظه فقط به یک چیز فکر می‌کردم؛ نجات جان مسافران.

مردم تحت تأثیر حرف‌های کاپیتان قرار می‌گیرند و کاپیتان معروف می‌شود. دوره‌های آموزشی برگزار می‌کند، کتاب می‌نویسد و داستان شجاعتش را برای مدیران و رهبران تعریف می‌کند.

اما حالا برگردیم به کشتی دوم.کاپیتان دوم هم همان مسیر را طی می‌کند. او هم در همان شب به همان منطقه می‌رسد ولی چند کیلومتر قبل از صخره، چیزی را روی صفحه ناوبری می‌بیند و نقشه را نگاه می‌کند و فقط می‌گوید: «دو درجه مسیر را تغییر بدهید.افسران دلیلش را می‌پرسند و کاپیتان جواب می‌دهد: صخره در پیش داریم.کشتی مسیرش را کمی تغییر می‌دهد و چند دقیقه بعد، از کنار صخره، سالم عبور می‌کنند و هیچ اتفاقی نمی‌افتد.نه کسی می‌ترسد، نه کسی زخمی می‌شود، نه قایق نجاتی به آب انداخته می‌شود و نه کشتی آسیب می‌بیند. صبح، کشتی سالم به مقصد می‌رسد و مسافران پیاده می‌شوند، خداحافظی می‌کنند و هرکدام دنبال زندگی خودشان می‌روند. و کاپیتان هم به اتاقش برمی‌گردد و هیچ‌کس برایش جشن نمی‌گیرد، کسی به تلویزیون دعوتش نمی‌کند و هیچ روزنامه‌ای درباره‌اش نمی‌نویسد و هیچ‌کس برایش کف نمی‌زند.

حتی مسافران نمی‌دانند که چند ساعت قبل، اگر او فقط کمی دیرتر متوجه می‌شد، ممکن بود همان کشتی به یک فاجعه تبدیل شود و اینجاست که داستان عجیب می‌شود:

کاپیتان اول در مدیریت بحران که خود آفریده بود، دیده شد و معروف گردید؛ اما کاپیتان دوم در پیشگیری از بحران دیده نشد.این فقط داستان دو کاپیتان و ناخدا نیست، در سازمان‌ها هم همین اتفاق می‌افتد.مدیری که بحران بزرگی را جمع می‌کند، قهرمان می‌شود؛ اما مدیری که با یک تصمیم درست اجازه نمی‌دهد بحران شکل بگیرد، شاید هیچ‌وقت دیده نشود، هزاران کشتی و هواپیما و اتوبوس و قطار و غیره، هر روز سالم به مقصد می‌رسند و وظیفه تلقی می‌شوند.کارمندی که اشتباه بزرگی را اصلاح می‌کند، تحسین می‌شود؛ اما کسی که از ابتدا جلوی آن اشتباه را گرفته، معمولاً دیده نمی‌شود. ما برای نجات‌یافتن جشن می‌گیریم؛ اما برای غرق‌نشدن، هرگز تقدیری نداریم. شاید به همین دلیل، بعضی از ارزشمندترین موفقیت‌های زندگی کارکنان و مدیریت و مدیران، قابل مشاهده نیست، چون موفقیت شان در چیزی است که اتفاق نیفتاده است.

و شاید یکی از سخت‌ترین کارهای یک نفر همین باشد؛ کاری کند که همه‌چیز خوب پیش برود؛ آن‌قدر خوب که هیچ‌کس نفهمد چه فاجعه‌ای می‌توانست اتفاق بیفتد. من در این سال‌های گذر عمر، مدیران و کارکنان بسیاری دیده‌ام که سر به زیر، کار خود کرده‌اند و نان خویش را بی‌هیچ هیاهویی به خانه برده‌اند و دل به سرزمینی سپرده‌اند که دوستش دارند و خدمتگزار مردم و وفادار سازمان خویش مانده‌اند. من به دوستی با کارکنان و مدیران جوان و مدیرعامل هایی که آرام می‌آیند و آرام می‌روند و با دانش خود نمی‌گذارند که کشتی سازمان یا بانک به صخره‌ای برخورد کند افتخار می‌کنم و برای آنها هم که کشتی شکسته را به ساحل می‌رسانند دعا می‌کنم.

اما همچنان تاکیدی چندباره بر گمنامانی دارم که سازمان و یا بانک خود را از هرگزندی محافظت می‌کنند.

رتبه‌بندی بانک‌ها از نظر امنیت سایبری

در نشست رتبه‌بندی بانک‌ها از منظر امنیت سایبری، رتبه‌های کسب شده، به مدیران بانک‌ها اعلام و یک ماه به آنها فرصت داده شد تا نواقص و ایرادهای احتمالی خود را بر اساس شاخص‌های ارزیابی برطرف کنند.

به گزارش ایسنا، سیدمحمدامین آقامیری، دبیر شورای‌عالی و رئیس مرکز ملی فضای مجازی، در نشست اعلام رتبه‌بندی بانک‌ها از نظر امنیت سایبری با اشاره به اهمیت امنیت سایبری در حوزه‌های مختلف اظهار کرد: امنیت سایبری موضوعی است که در بخش‌های مختلفی از جمله حوزه بانکی، دانشگاهی و کسب‌وکارها اهمیت دارد و ارزیابی وضعیت امنیتی مجموعه‌های خدمات‌دهنده باید به ارتقای کیفیت خدمات و حفاظت از داده‌های مردم منجر شود.

وی افزود: پیش از این، ارزیابی‌ها و گزارش‌های مربوط به امنیت سایبری به مجموعه‌های مورد بررسی منتقل می‌شد تا نواقص احتمالی را برطرف کنند، اما پیگیری‌ها عمدتاً درون همان مجموعه‌ها و میان دستگاه‌های مسئول انجام می‌شد. بر همین اساس، یکی از سازوکارهایی که سال گذشته در شورای‌عالی فضای مجازی به تصویب رسید، اطلاع‌رسانی به مردم درباره نتایج ارزیابی نهادهای تخصصی است؛ چراکه مردم حق دارند از وضعیت خدماتی که استفاده می‌کنند، آگاه باشند.

یک ماه به بانک‌ها فرصت داده شد

وی ادامه داد: یک ماه به بانک‌ها فرصت داده شده تا نواقص و ایرادهای احتمالی خود را بر اساس شاخص‌های ارزیابی برطرف کنند. گزارش اولیه محرمانه است و پس از پایان این مهلت، دستگاه هماهنگ‌کننده ارزیابی مجدد را انجام می‌دهد و گزارش نهایی را به مرکز ملی فضای مجازی ارائه می‌کند تا نتایج آن در اختیار افکار عمومی قرار گیرد.

دبیر شورای‌عالی فضای مجازی با اشاره به تجربه کشورهای مختلف در انتشار دوره‌ای نتایج ارزیابی‌های امنیت سایبری تصریح کرد: این اقدام علاوه بر تأکید بر اهمیت حفاظت از داده‌های مردم، به افزایش آگاهی عمومی کمک می‌کند. مردم می‌توانند با اطلاع از نتایج ارزیابی‌ها و متناسب با میزان ریسکی که می‌پذیرند، درباره انتخاب بانک و استفاده از خدمات آن تصمیم بگیرند.

آقامیری با تأکید بر اینکه هدف از این فرآیند صرفاً رتبه‌بندی بانک‌ها نیست، گفت: هدف اصلی این است که همه بانک‌ها در کوتاه‌ترین زمان ممکن به وضعیت مطلوب برسند.

کارنامه مرکز ملی فضای مجازی و بانک‌ها در این زمینه یکی است و ارتقای امنیت سایبری هم موجب خوشحالی ما و هم موجب رضایت مردم خواهد بود. بنابراین باید تمام تلاش خود را برای هم‌افزایی و بهبود وضعیت امنیتی همه بانک‌ها به کار بگیریم.

وی با اشاره به جایگاه حوزه بانکی در اعتماد عمومی به خدمات دیجیتال اظهار کرد: حوزه بانکی یکی از مهم‌ترین بخش‌های مؤثر بر اعتماد مردم به خدمات مختلف است. اگر مردم از امنیت خدمات بانکی اطمینان داشته باشند، اعتماد آنها به سایر



خدمات نیز می‌تواند افزایش پیدا کند، اما نگرانی درباره امنیت این حوزه بر اعتماد مردم به دیگر خدمات نیز سایه می‌اندازد.

رئیس مرکز ملی فضای مجازی با تأکید بر ضرورت همکاری مجموعه‌های مرتبط خاطرنشان کرد: باید با همکاری و هم‌افزایی، شرایطی فراهم کنیم که مردم بتوانند با خیال راحت از خدمات بانکی استفاده کنند و از بهره‌مندی از این خدمات احساس اطمینان داشته باشند.

آقامیری با اشاره به ضرورت آمادگی نظام بانکی در برابر سناریوهای مختلف تهدید اظهار کرد: تجربه حوزه‌های دیگر نشان داده است هرجا آمادگی‌ها و مقدمات لازم به‌طور کامل فراهم شده و دشمن به این جمع‌بندی رسیده که با واردکردن ضربه به اهداف خود نمی‌رسد، از اقدام خود منصرف شده است.

اگر بتوانیم حوزه بانکی را به نقطه‌ای برسانیم که نظام بانکی برای سناریوهای مختلف آمادگی لازم را داشته باشد، دشمن از برهم‌زدن آرامش مردم از طریق این مسیر ناامید می‌شود و دولت می‌تواند خدمات مورد نیاز مردم را به‌طور کامل ارائه دهد.

رتبه‌بندی سال آینده سخت‌گیرانه‌تر می‌شود

محسن پاشا، قائم‌مقام رئیس و معاون امنیت مرکز ملی فضای مجازی، هم در نشست اعلام رتبه‌بندی بانک‌ها از منظر امنیت سایبری، با اشاره به اهداف این رتبه‌بندی گفت: این برنامه با هدف ایجاد نقشه راهی برای مدیریت ریسک در کشور دنبال می‌شود تا مجموعه‌های عمومی بتوانند با آگاهی بیشتر از سطح ریسک خدمات‌دهندگان، برای انتخاب خدمات مورد نیاز خود تصمیم‌گیری کنند.

وی افزود: با مشخص‌شدن سطح ریسک هر مجموعه، خدمات‌گیرندگان می‌توانند خدماتی را انتخاب کنند که ریسک پایین‌تری دارند. نظام بانکداری کشور در خط مقدم جنگ ترکیبی قرار دارد و اقدامات و تلاش‌های این حوزه شایسته تقدیر است، اما تهدیدات سایبری امروز صرفاً به لایه فناوری محدود نیست و می‌تواند حکمرانی کشور را نیز با چالش مواجه کند.

پاشا با تأکید بر ماهیت تهدیدات سایبری علیه کشور اظهار کرد: تهدیدکنندگان، امروز صرفاً هکرهای معمولی نیستند، بلکه بازیگرانی هستند که تحت مدیریت دشمن متخاصم علیه کشور اقدام می‌کنند.

اگر این اقدامات به‌درستی مدیریت نشوند، می‌توانند چالش‌های گسترده‌ای برای کشور ایجاد کنند که به لطف الهی، تاکنون اقدامات مخرب دشمن تا حد خوبی دفع شده است.

معاون امنیت مرکز ملی فضای مجازی با تشریح فرآیند اجرای رتبه‌بندی امنیت سایبری بانک‌ها تصریح کرد: پس از مشخص‌شدن رتبه‌ها و سطح‌بندی مجموعه‌ها، یک ماه فرصت در نظر گرفته شده است تا با همکاری بانک‌ها و مجموعه‌های مسئول در مرکز ملی فضای مجازی، نواقص شناسایی‌شده، برطرف شود. پس از آن، ارزیابی مجدد انجام و نتایج نهایی برای اطلاع افکار عمومی منتشر خواهد شد.

ایران همواره صلح را بر رویارویی ترجیح می‌دهد

معاون اول رئیس‌جمهوری با اشاره به جنگ ۴۰ روزه، اظهار کرد: ایران مطابق با ماده ۵۱ منشور ملل متحد از حق ذاتی خود برای دفاع مشروع استفاده کرد و در عین حال بار دیگر نشان داد خواهان جنگ و بی‌ثباتی نیست و همواره صلح را بر رویارویی ترجیح می‌دهد.

به گزارش مهر، محمدرضا عارف در نشست گسترده اجلاس نخست‌وزیران کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای اظهار کرد: منطقه ما و جهان در دو سال اخیر شاهد چالش‌های بزرگی، از جمله نقض‌های بی‌سابقه، آشکار و گستاخانه بنیادی‌ترین ارزش‌های انسانی و نیز اصول حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد توسط ایالات متحده امریکا و رژیم صهیونیستی بوده است که صلح و امنیت و دستاوردهای جامعه جهانی در دهه‌های اخیر را در معرض تهدید جدی و نابودی قرار داده است.

عارف همچنین گفت: ایران ضمن تأکید بر تقویت همکاری بین بخش‌های خصوصی کشورهای عضو، از فعالیت‌های شورای تجاری و کنسرسیوم بین‌بانکی سازمان همکاری شانگهای حمایت می‌کند و معتقد است این فعالیت‌ها فرصتی مهم برای تقویت بُعد عملیاتی سازمان است و بر ضرورت تقویت کارکردهای عملیاتی این دو نهاد تأکید دارد.



با مسدودسازی، از دنیای فناوری عقب می‌مانیم



وزیر ارتباطات تاکید کرد: اگر به سمت مسدودسازی حرکت کنیم باید هوش مصنوعی را فراموش کنیم. اما چنانچه با نگاه استفاده حداکثری این حوزه تقویت شود، می‌توانیم در عرصه جهانی حرفی برای گفتن داشته باشیم و در غیر این صورت از دنیای فناورانه با این سرعت بالا به شدت عقب می‌مانیم.

به گزارش ایسنا، سیدستار هاشمی در نشست مشترک با رؤسای مجامع نمایندگان مجلس شورای اسلامی، گزارشی از اقدامات و برنامه‌های این وزارتخانه در دولت چهاردهم ارائه کرد و با اشاره به محدودیت‌های منابع و شرایط پیچیده ناشی از جنگ تحمیلی سوم، بر تداوم مسیر توسعه ارتباطات و فناوری اطلاعات کشور تأکید کرد.

تداوم خدمات ارتباطی با وجود خسارت‌های جنگ

وزیر ارتباطات با تشریح بخشی از خسارت‌های واردشده به زیرساخت‌های ارتباطی کشور در جنگ رمضان، اظهار کرد: در این دوره، بیش از ۵۰۰ سایت ارتباطی به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم آسیب دیدند و تعداد قابل‌توجهی از مراکز مخابراتی به‌طور کامل منهدم شدند. همچنین ارتباط با جزایر در چند مرحله قطع شد و زیرساخت‌های سازمان صداوسیما، به‌ویژه در استان‌های بزرگی مانند تهران، با تهدید اختلال در پخش سراسری مواجه شدند.

وی افزود: در شرایط جنگی، موضوعاتی همچون توزیع کالا در استان‌های مختلف، ارتباط میان مردم و استمرار ارائه خدمات عمومی نیز می‌توانست به چالش تبدیل شود. با این حال، تلاش مجموعه ارتباطات کشور بر این متمرکز بود که زیرساخت‌های حیاتی و خدمات موردنیاز مردم، با وجود حملات و محدودیت‌های موجود، فعال بمانند.

پیشبرد مهاجرت از کابل مسی به فیبر نوری

وی در ادامه، پروژه مهاجرت از کابل مسی به فیبر نوری را از طرح‌های مهم زیرساختی کشور دانست و اظهار کرد: پس از حدود یک قرن استفاده از بستر سیم مسی، ضرورت جایگزینی این فناوری با فیبر نوری، متناسب با نیازهای ارتباطی امروز، بیش از پیش احساس می‌شود.

هاشمی با اشاره به اجرای این طرح با محوریت شرکت مخابرات ایران افزود: روند اجرای پروژه در برخی شهرها، با همکاری مناسب مدیریت شهری، پیشرفت مطلوبی داشته است؛ اما در برخی مناطق، از جمله تهران، موانع اجرایی موجب کندی کار شده است.

وی با تأکید بر ضرورت همکاری مدیریت شهری در اجرای این طرح گفت: بر اساس ماده ۶۵ قانون برنامه هفتم پیشرفت، الزامات قانونی لازم برای اجرای بخش‌هایی از این پروژه، از جمله حفاری، پیش‌بینی شده است؛ با این حال، در برخی شهرها همکاری لازم صورت نگرفته و وزارت ارتباطات پیگیری‌های حقوقی و مکاتبات مربوط به این موضوع را در دستور کار قرار داده است.

وزیر ارتباطات همچنین با اشاره به افزایش هزینه‌های اجرای پروژه تصریح کرد: نرخ هر متر فیبر نوری با رشد حدود ۱۰ برابری مواجه شده است که این موضوع نیز بر روند اجرای طرح تأثیر می‌گذارد. با وجود این، توسعه زیرساخت فیبر نوری و اتصال مشترکان به این شبکه، از برنامه‌های مهم وزارتخانه است و با بهبود شرایط، باید با سرعت بیشتری دنبال شود.

حمایت از سکوهای داخلی

وزیر ارتباطات با اشاره به حمایت از سکوهای داخلی و سامانه شاد در دوره جنگ رمضان گفت: وزارت ارتباطات برای نخستین بار از محل منابع داخلی خود، در مجموع حدود ۲ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان از پیام‌رسان‌ها و سکوهای داخلی و همچنین سامانه شاد حمایت کرد. این حمایت‌ها در شرایطی انجام شد که وزارتخانه خود با نیازهای مالی گسترده، محدودیت منابع و افزایش هزینه‌های پروژه‌ها در پی نوسانات ارزی مواجه بود؛ با این حال، استمرار فعالیت سکوهای پرکاربرد و خدمات موردنیاز مردم، از اولویت‌های این مجموعه بود.

هاشمی با اشاره به تداوم خدمات پستی در کشور نیز تأکید کرد که مجموعه ارتباطات کشور در دوره جنگ تلاش کرد خدمات عمومی و الکترونیکی را بدون توقف ادامه دهد. در دوران جنگ تحمیلی تلاش بسیاری شد که کشور در حوزه ارتباطات و خدمات خاموش شود، با اشاره به تلاش‌های صورت‌گرفته برای جلوگیری از اختلال گسترده و خاموش کردن خدمات ارتباطی و دیجیتال کشور، پایداری شبکه را یکی از الزامات استمرار فعالیت‌های روزمره مردم و اقتصاد دانست و بر اهمیت حفظ و تقویت زیرساخت‌های ارتباطی در شرایط عادی و بحرانی تأکید کرد.

ضرورت بازنگری در استانداردهای خودرو



وزیر صمت با ابراز امیدواری نسبت به تأمین برق و گاز صنایع و فولاد مورد نیاز خودروسازان در نیمه دوم سال، تأکید کرد که فراهم شدن این الزامات می‌تواند زمینه افزایش تولید خودرو را فراهم کند.

به گزارش مهر، سیدمحمد اتابک، وزیر صنعت، معدن و تجارت، در دیدار با اعضای انجمن خودروسازان و با اشاره به جایگاه صنعت خودرو در اقتصاد کشور اظهار کرد: صنعت خودرو از نظر تأثیرگذاری بر تولید ناخالص داخلی(GDP)، اشتغال و زنجیره تأمین، از اهمیت بالایی برخوردار است و از این‌رو، باید با اتخاذ سیاست‌های مناسب، مزیت تولید در این صنعت حفظ و تقویت شود.

وی با اشاره به افزایش شکایت‌های مردمی از خودروسازان افزود: کاهش نارضایتی عمومی و اصلاح نگرش جامعه نسبت به صنعت خودرو، مستلزم توجه جدی به افزایش تولید خودرو، کیفیت محصولات، ارتقای خدمات و پاسخ‌گویی مؤثرتر به مطالبات مردم است.

وزیر صمت با تأکید بر ضرورت بازنگری در استانداردهای خودرو تصریح کرد: اصلاح و ارتقای استانداردهای صنعت خودرو باید با نظارت وزارت صنعت، معدن و تجارت و همکاری انجمن خودروسازان دنبال تا ضمن افزایش کیفیت محصولات، زمینه تقویت اعتماد عمومی نیز فراهم شود.

بر اساس اعلام وزارت صمت؛ اتابک گفت: با توجه به شرایط کشور، محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها و ضرورت حفظ اشتغال، باید سهم ساخت داخل در تولید خودرو با هدف کاهش مصارف ارزی در صنعت خودرو افزایش یابد. وی همچنین بر ضرورت همکاری خودروسازان بزرگ برای طراحی و توسعه پلتفرم‌های مشترک تأکید کرد و افزود: انتظار می‌رود خودروسازان بزرگ کشور با همکاری انجمن خودروسازان، تولید خودروهای اقتصادی و متناسب با توان خرید مردم را در دستور کار قرار دهند. این رویکرد می‌تواند ضمن کاهش هزینه‌های تولید، زمینه افزایش تیراژ، ارتقای رقابت‌پذیری را فراهم کند. وزیر صنعت، معدن و تجارت با اشاره به اهمیت تأمین پایدار انرژی و مواد اولیه برای تداوم تولید اظهار امیدواری کرد که با تأمین برق و گاز مورد نیاز واحدهای صنعتی در نیمه دوم سال و همچنین تأمین فولاد مورد نیاز خودروسازان، امکان افزایش تولید خودرو در امسال فراهم شود. وی همچنین گفت: افزایش تولید، ارتقای کیفیت و توسعه ساخت داخل باید به‌صورت هم‌زمان دنبال شود تا صنعت خودرو ضمن حفظ ظرفیت‌های اشتغال‌زایی و تولیدی خود، بتواند نیاز بازار داخلی را بهتر تأمین کند و سهم بیشتری در رشد اقتصادی کشور داشته باشد. اتابک در پایان تأکید کرد: با توجه به تحریم ها، ریسک‌های ناشی از محدودیت‌های ایجاد شده در حوزه خودرو و زنجیره تامین، بررسی و راهکارهای لازم ارائه شود تا چنانچه نیاز به تغییر سیاست‌ها و راهکارهای حاکمیتی باشد، وزارت صمت نسبت به تغییرات متناسب با محدودیت‌های ایجاد شده به منظور کاهش ریسک‌ها و تداوم تولید اقدام کند.